

020111 BAHAR

01097 3

عبد الرحمن (مصطفى) .
الربيع في الادب والفن والحياة . مصطفى عبد الرحمن .
°ABD al-RAHMAN (Mustafā) .
-Le Caire, Maktabat al-anglū-misriya, s.d.-22cm,
240p., ill., portr., couv. ill. [Acq. 2516-71]

[8° Y. 1158
(Rabī° [al-] fī al-adāb wa al-fann wa al-hayāt.)
--Poésies arabe.
Printemps. Poésies.
Textes. Recueil.
--Poésies. Printemps
(thème). Textes. Recueil.
Textes. Recueil.
Textes. Recueil.

20111

Bahar (TED)

GÖÇGÜN,

Önder (Dr.), "Şiir ve Müsiki : Edebiyatımızda Bahar Motifi - I", Kök Dergisi, 2, 15.
(1982), 16 - 19.

BAHAR (1ST)
KÖK DERGİSİ
11 OCAK 1994

11 OCAK 1994

20111

Bahar (TED)

GÖÇGÜN,

Önder (Dr.), "Şiir ve Müsiki : Edebiyatımızda Bahar Motifi - II", Kök Dergisi, 2, 17.
(1982), 24 - 28.

BAHAR (1ST)
KÖK DERGİSİ
11 OCAK 1994

11 OCAK 1994

۲۴۵۵ رزمگیر، غلامرضا . "بدنیا ل شعر بهار" . آئینده ، سال ۱۱، ش ۸ (آبان ۱۳۴۴) : ص
۵۸۰-۵۷۴

BAHAR (1ST)

BAHAR (1ST)
KÖK DERGİSİ
29 OCAK 1994

29 OCAK 1994

۳۲۱۱ شاهرخشا، شهرام . "بهار در شعر حافظ" . کیهان (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۵) : ص ۱۶ .

BAHAR (1ST)
KÖK DERGİSİ

BAHAR (1ST)
KÖK DERGİSİ
29 OCAK 1994

29 OCAK 1994

۱۶۵۱ مطهری، مرتضی . "درسی که باید از فصل بهار آموخت" .
صبح آزادگان (۲۸ فروردین ۱۳۴۱) : ص ۵ .
پیرامون جنبه های معنوی فصل بهار در اسلام .

1651
BAHAR (1ST)

۱۶۵۲ مطهری، مرتضی . "درسی که باید از بهار آموخت" .
صبح آزادگان (۲۹ فروردین ۱۳۴۱) : ص ۵ .
پیرامون حقایق نامحسوس .

1652

۱۶۵۳ مطهری، مرتضی . "درسی که باید از بهار آموخت" .
صبح آزادگان (۳۰ فروردین ۱۳۴۱) : ص ۸، ۵ .
پیرامون محدودیت حواس و جنبه های معنوی فصل بهار .

1653

29 OCAK 1994

BAHAR (1ST)
KÖK DERGİSİ
29 OCAK 1994

فرهنگ آبادیهای ایران، تهران، ۱۳۳۹ش؛ نشریه دفتر تقسیمات کشوری، معاونت سیاسی - اجتماعی وزارت کشور، تهران، ۱۳۳۹ش، ش ۲؛ نیز:
Bosworth, C. E., «The Political and Dynstic History of the Iranian World, A. D. 1000-1217», The Cambridge History of Iran, vol. 7, ed. J.A. Boyle, Cambridge, 1968.
محسن سلیمانی

بهار، نخستین ماهنامه ادبی به زبان فارسی که به مدیریت و نویسندگی یوسف اعتصامی (د ۱۳۱۶ش/۱۹۳۷م)، در تهران منتشر می‌شد. بهار در دو دوره مجزا انتشار یافته است: در دوره اول (از ۱۰ ربیع‌الآخر ۱۳۲۸/اول اردیبهشت ۱۲۸۹، تا ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ق/۲۶ آبان ۱۲۹۰ش) ۱۲ شماره به صورت نامرتب انتشار یافت. در دوره دوم (از شعبان ۱۳۳۹/اردیبهشت ۱۳۰۰ تا جمادی‌الاول ۱۳۴۱/دی ۱۳۰۱) مجله با انتشار ۱۲ شماره به کار خود پایان داد (صدر هاشمی، ۲۶/۲-۲۸: آیین‌پور، ۱۱۴/۲).

مدیریت بهار چنان‌که گفته شد، در آغاز با یوسف اعتصامی بود، اما از شماره چهارم به مدیر‌الممالک هرنندی (مدیر روزنامه تمدن) واگذار گردید. در دوره دوم و تا شماره سوم، مدیریت مجله با عباس خلیلی (مدیر روزنامه اقدام) بود، ولی از این پس تا پایان کار، اعتصامی خود این مسئولیت را برعهده گرفت (صدر هاشمی، ۲۸، ۲۶/۲؛ محیط، ۲۳۴-۲۳۵).

در دوره‌ای که روزنامه‌های گوناگون مانند ایران نو، شرق، مجلس و تمدن منتشر می‌شدند، اعتصامی فقدان نشریه‌ای ادبی را احساس می‌کرد (نک: ۱/۸)؛ از این رو، به پشتوانه تجربه‌ای که پیش‌تر در امر انتشار مجموعه‌ای با عنوان گنجینه فنون در تبریز آندوخته بود (محیط، ۲۳۶)، و نیز به لحاظ ارتباط مستمری که با مجلات عربی و ترکی مانند الهلال، الجامعة و المقتطف داشت، دست به انتشار بهار زد (همو، ۲۳۵). او خود در سرمقاله شماره نخست بهار، مهم‌ترین انگیزه خویش را از انتشار این مجله، عرضه مطالب سودمند علمی، ادبی، اخلاقی، تاریخی، اقتصادی و فنون گوناگون به مردم ایران اعلام کرد (همانجا). در مجله بهار بیشتر ترجمه آثار نویسندگان اروپایی، عرب و ترک به چاپ می‌رسید؛ از آن جمله، آثار نویسندگانی چون: احمد حکمت، ولتر، ماکسیم گورکی، ویکتور هوگو، آکساندر دوما، ابوالضیا توفیق، مصطفی لطفی منقلوطی، شیلر، ژان ژاک روسو، خانم می و مارک تواین (نک: بهار، ۱۸/۱، ۲۳، ۲۹، ۱۴۵، ۲۵۴، ۴۱۴، ۲۳/۲، ۱۱۰، ۲۷۰، ۲۹۶، ۴۰۳). موضوعهای مورد بحث در این آثار عبارت بود از ادبیات، شعر، شرح حال مشاهیر، مسائل فلسفی، اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت، زنان، تاریخ و علم. این آثار را عموماً خود اعتصامی و با اسلوبی خاص، با واسطه ترجمه‌های عربی و ترکی آنها و با مراجعه به منابعی مانند المقتطف و النظرات منقلوطی، به زبان فارسی ترجمه می‌کرد (همان، ۲۳۴-۲۳۷/۲، آیین‌پور، همانجا؛ محیط، ۲۳۶-۲۳۷).

اعتصامی با آنکه در سر مقاله نخستین شماره بهار از تمامی نویسندگان برای همکاری دعوت کرده بود (نک: ۲/۸)، به نظر می‌رسد،

سلجوقی برضد سلطان مسعود دست به شورش زد و دو تن از شاهزادگان سلجوقی به نامهای محمد و ملکشاه را به اصفهان و همدان برد، تا پس از پیروزی بر سلطان مسعود یکی از این دو را به سلطنت برساند. جنگ قطعی در مرج قراتکین روی داد که منجر به شکست بوزابه گردید (بنداری، ۲۰۱-۲۰۲؛ راوندی، ۲۴۱-۲۴۲؛ ظهیرالدین، ۶۳-۶۴؛ با زورث، 132-133).

نام بهار (وهار) برای نخستین بار در منابع دوره مغول در ذیل وقایع سلیمان‌شاه ایوبی، حاکم کردستان آمده است (نک: رشیدالدین، ۸۵۷/۲). به درستی روشن نیست که چرا مرج یا مرج قراتکین به بهار تغییر نام داده است. مقارن دوره مغول بهار دارالملک کردستان بود (نک: حمدالله، ۱۰۷؛ قزوینی، ۴۵۴، ۴۵۵).

سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در ۱۲۲۴ق/۶۲۱م پس از بازگشت از هندوستان و حمله به پیرامون بغداد، به هنگام بازگشت، به قلعه بهار رفت و خواهر سلیمان‌شاه حاکم کردستان را به نکاح خویش درآورد (نک: قزوینی، همانجا). در ۱۲۴۰ق/۶۴۰م نبردی در وهار (بهار) میان خلیل بدر کردی حاکم لرستان با سلیمان‌شاه ایوبی در گرفت که منجر به کشته شدن خلیل بدر کردی شد (نک: ابن ابی الحدید، ۲۳۹/۷؛ ابن قوطی، ۲۸۶؛ بدلیسی، ۶۵-۶۶).

در ۱۲۵۷ق/۶۵۵م سپاهیان هولاکو بهار و قلعه آن را ویران کردند. ویرانه‌های این قلعه در یکی از محلات شهر بهار به نام دولت قلعه سی (قلعه دولت) هنوز پابرجاست (فرهنگ، همانجا). در ۱۱۹۹ق/۱۷۸۵م جنگی میان محمدجعفر خان زند (استظهارالدوله) و خسروخان، والی اردلان (کردستان) در منطقه بهار روی داد که منجر به شکست محمدجعفر خان گردید (نک: ابوالحسن، ۷۰۹-۷۱۲؛ رستم الحکما، ۴۵۰).

در دوره قاجاریه بهار قریه‌ای آباد با باغهای میوه بود که حدود هزار خانه داشت (نک: زین العابدین، همانجا).

مآخذ: آمارنامه استان همدان (۱۳۷۶ش)، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۷ش؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۸ق/۱۹۵۹م؛ ابن قوطی، عبدالرزاق، الحوادث الجامعة، بغداد، ۱۳۵۱ق؛ ابوالحسن مستوفی، گلشن مراد، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، ۱۳۶۹ش؛ بدلیسی، شرف‌خان، شرف‌نامه، به کوشش محمد عباسی، تهران، ۱۳۴۳ش؛ بنداری اصفهانی، فتح، تاریخ دولت آل سلجوق (زبدة النصرة)، بیروت، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م؛ جعفری، عباس، دایرة المعارف جغرافیایی ایران، تهران، ۱۳۷۹ش؛ جغرافیای کامل ایران، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۶۶ش؛ حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، به کوشش لسترنج، لیدن، ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م؛ راوندی، محمد، راحة الصدور، به کوشش محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران، ۱۳۶۴ش؛ رستم الحکما، محمد هاشم، رستم التواریخ، به کوشش محمد مشیری، تهران، ۱۳۴۸ش؛ رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، ۱۳۷۳ش؛ زین‌العابدین شیروانی، بستان السیاحة، تهران، ۱۳۱۵ش؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۷۵ش)، نتایج تفصیلی، شهرستان بهار، مرکز آمار ایران، تهران، ۱۳۷۶ش؛ ظهیرالدین نیشابوری، سلجوق‌نامه، تهران، ۱۳۳۲ش؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور (همدان)، اداره جغرافیایی ارتش، تهران، ۱۳۷۶ش، ج ۲؛ قزوینی، محمد، تعلیقات بر تاریخ جهانگشای جونی، لیدن، ۱۳۵۵ق/۱۹۳۷م؛ منعم بابان، لطف‌الله،

result that Bahār may be credited with introducing a new style of popular writing (see Bahār, *Dīwān*, introd., ر-ق).

Bahār left a lasting legacy of great importance. He himself was confident that his work would stand the test of time, and stated as much in various poems.

BIBLIOGRAPHY

'Alawī, Buzurg, 'Khazān-i Bahār', *Payām-i Naw*, 4, 11-12 (1330 Sh./1951), pp. 1-13; Arberry, A.J., *Persian Poems* (London, 1954); Bahār, Muḥammad Taqī, *Dīwān*, introd. Muḥammad Malikzādah (Tehran, 1335 Sh./1956); idem, 'Sinkh-i fikr-i dallālān-i isti'mār', in 'Alī Dihbāshī, ed., *Yādnāmah-yi Parwān-i l'tiṣāmī* (Tehran, 1370 Sh./1991), pp. 77-79; idem, 'Yik sāl-i tamām', *Dānishkadah*, 11-12 (1298 Sh./1919), pp. 563-566; Bahār, Parwānah, 'Chand khāfira az pidaram', *Īrān-nāmāh*, 5, 4 (1366 Sh./1987), pp. 639-649; Buzurgniyā, Muḥammad, 'Nubūgh-i adabī-yi Bahār', *Mihr*, 8, 1 (1331 Sh./1952), pp. 20-23; 'Darīnkwātīr [John Drinkwater] wa Bahār', *Rūzgār-i Naw*, 5/1 (London, 1945), pp. 50-54; Farshīdward, Khusraw, *Darbārah-yi adabīyyāt wa naqd-i adabī* (Tehran, 1363 Sh./1984); Gulbun, Muḥammad, 'Sāl-shumār wa guzīdah-yi kitābshināsī-yi Bahār', *Āyandah*, 10, 2-3 (1363 Sh./1984), pp. 107-112; Humā'ī, Jalāl al-Dīn 'Bar-guzīdah-hā: Bahār az naẓar-i muntaqidān', *Īrān-nāmāh*, 5, 4 (New York, 1366 Sh./1987), pp. 650-671; 'Irfānī, 'Abd al-Ḥamīd, *Sharḥ-i aḥwāl wa āthār-i Malik al-Shu'arā-yi Bahār* (Tehran, 1335 Sh./1956); Ittīhād, Hūshang, *Pazhūhish-garān-i mu'āṣir-i Īrān* (Tehran, 1379 Sh./2000); Matīnī, Jalāl, 'Ṣadumīn sāl-i wilādat-i Bahār', *Īrān-nāmāh*, 5, 4 (New York, 1366 Sh./1987), pp. 549-595; Mīr-Anṣārī, 'Alī, *Asnādī az mashāhīr-i adab-i mu'āṣir-i Īrān* (Tehran, 1377 Sh./1998); Mīr-Anṣārī, 'Alī, and Mīhrdād Dīyā'ī, *Guzīdah-yi asnād-i namāyish dar Īrān* (Tehran, 1381 Sh./2002); Parwīn Gunābādī, Muḥammad, 'Ānhā ki bih ṣādīq 'ishq mīwarzīdand', *Firdawsī*, 729 (1344 Sh./1965), pp. 13-14; Ra'dī Ādrakhshī, Ghulām-'Alī, 'Shī'r-i mu'āṣir-i Īrān', *Yaghmā*, 22, 1 (1348 Sh./1969), pp. 132-136; Shafī'ī Kadkanī, Muḥammad Riḍā, 'Furūzānfar wa shī'r', in 'Ināyat Allāh Majīdī, ed., *Majmū'a-yi ash'ār-i Badī' al-Zamān Furūzānfar* (Tehran, 1368 Sh./1989); Yaghmā'ī, Iqbāl, 'Muḥammad Taqī Malik al-Shu'arā-yi Bahār', *Āmūzish wa parwarish*, 44/8 (1354 Sh./1975), pp. 484-490; idem, *Wazīrān-i 'ulūm wa ma'ārif wa farhang-i Īrān* (Tehran, 1375 Sh./1996); Yaghmā'ī, Ḥabīb, 'Aḥwāl wa āthār-i Malik al-Shu'arā-yi Bahār', *Payām-i Naw*, 1, 4 (1337 Sh./1958), pp. 7-9; idem, 'Dar aḥwāl ustād Bahār', *Yaghmā*, 8, 2 (1332 Sh./1953), pp. 55-61; idem, 'Wafayāt-i mu'āṣirān: Sa'īd Nafīsī', *Yaghmā*, 19/9

(1345 Sh./1966), pp. 494-496; Yūsufī, Ghulām-Ḥusayn (Yūsufī, Ġ.-Ḥ), 'Naẓarī bih sabkshināsī-yi ustād Bahār', *Āyandah*, 10/2-3 (1363 Sh./1984), pp. 84-93; Zarīnkūb, 'Abd al-Ḥusayn, *Shī'r-i bī durūgh, shī'r-i bī niqāb* (Tehran, 1355 Sh./1976).

AHMAD SAMI'Ī

TR. MATTHEW MELVIN-KOUSHKI

Bahār-i 'Ajam is a comprehensive lexicon of the Persian words and idioms used by Persian poets, which was compiled by Lāla Tik Chand (d. 1180/1766), an Indian poet and literary figure, who had the pen name (*takhalluṣ*) Bahār and was popularly known as Munshi Ray Lala Tek Chand Bahār (Rypka, 730). The author worked on the lexicon for twenty years, and given that the chronogram '*yādigār-i faqīr-i ḥaqīr Bahār*' at the colophon equates to a completion date of 1152/1739, it is likely that it was started in 1132/1720 (see Bahār, ed. 1916, 1/2, 2/512; ed. 2001, introd., 14; Dā'ī al-Islām, 5/43; Garcin de Tassy, 1/281). It was first published in 1743 (Rahbar, 412).

Bahār, a resident of Delhi from the Hindu Khatri caste, had received the honorific title of *rāy* (also *rai*, meaning prince) in recognition of his literary services at the court in Delhi. He was a pupil of leading literary luminaries of Delhi such as Sirāj al-Dīn Ārīzū (1100-1169/1689-1756), studied under a certain Shaykh Abū al-Khayr Wafā'ī (b. 1076/1666), who are known as Sirāj al-Muḥaqqīn and Khayr al-Mudaqqīqīn respectively (see Rieu, 3/502b). He also had friendly relations with Faṭḥ 'Alī Ḥusaynī Gardīzī (Fateh Ali Khan Gardezi, d. 1224/1809) and Mīr Taqī Mīr (1723-1810).

Muḥammad Abū al-Ḥasan reports in *Gulzār-i Ibrāhīm* that Bahār travelled to Iran in order to compile and record the common Persian terms and idioms used by the poets of his day. He died in Delhi in 1180/1766 (Abdullah, *Adabīyyāt*, 163, *Contribution*, 165; Rieu, 2/502; see also Garcin de Tassy, 1/100-101; Ali, 380).

Apart from *Bahār-i 'ajam*, he also wrote other works including: a) *Jawāhir al-ḥurūf*, which is about alphabetical characters and

20 Temmuz 2016

MADE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN